

نفوذ فزاینده چین، روسیه و ایران در آمریکای لاتین به روایت اندیشکده امریکایی

بلوک شرقی در نیم کره غربی



گزارش علیرضا حجتی دبیر گروه بین الملل

بسیست و یکم، دکترین مونروئه، شاید چندان کارایی سابق را برای کاخ سفید در همسایگی خود نداشته باشد. اتخاذ راهبرد گسترش ناتو به شرق، بعد از پایان جنگ سرد و با هدف محاصره روسیه، همچنین تقابل همه‌جانبه آمریکا با چین در منطقه تایوان و منازعه ۴۰ ساله با ایران در منطقه غرب آسیا، باعث اتحاد این مثلث شرقی به عنوان بازگیران تجدیدنظرطلب نظم پساچنگ سرد و یکجانبه امریکایی شده است. مثلث چین، روسیه و ایران طی سال‌های گذشته روابط نزدیکی با کشورهای امریکای لاتین برقرار کرده و به شرکای راهبردی این کشورها در حیاط خلوت امریکا تبدیل شده‌اند تا این‌گونه در همسایگی‌اش «موازنه قوا» برقرار کنند.

اندیشکده «مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک (CSIS)» که در واشنگتن مستقر است طی یکماه گذشته ۲ گزارش جامع در خصوص نفوذ پکن، مسکو و تهران در امریکای لاتین منتشر کرده است.

این اندیشکده امریکایی به تازگی تحلیل جامعی را با عنوان «روسیه و ایران در امریکای لاتین: چشم‌انداز و روش‌های مشابه» منتشر کرد. این مقاله به بررسی نفوذ خزنده روسیه و ایران بر نیمکره غربی می‌پردازد و میراث تاریخی و همچنین پیوندهای دیپلماتیک، اقتصادی، اطلاعاتی و نظامی-امنیتی کنونی را که به تمایل مستمر منطقه برای

تعامل با این دو کشور کمک می‌کند، ارزیابی کرده‌است. سپس تجزیه و تحلیل و توصیه‌هایی را به سیاستگذاران غربی نسبت به رویکردهای جدیدی را که جامعه ترانس آتلانتیک باید در برابر هماهنگی بالقوه روسیه و ایران در امریکای لاتین و دریای کارائیب (LAC) اتخاذ کند، ارائه می‌دهد.

مسکو و تهران در نیمکره غربی

در این تحلیل آمده است: در حالی که ناظران غربی توجه خود را روی همکاری مشترک روسیه و ایران در اروپای شرقی، اوراسیا و خاورمیانه - جایی که عملیات نظامی-امنیتی روسیه و ایران به طور مستقیم بر منافع امریکا و اروپا تأثیر می‌گذارد- متمرکز کرده‌اند، نیمکره غربی از این دو کشور جدا نیست. تلاش برای نفوذ جهانی در واقع، از بسیاری جهات، یک قطعه ضروری از پازل اقدامات ۲ کشور است. اول، هم ایران و هم روسیه، امریکای لاتین و دریای کارائیب (LAC) را به‌عنوان زمینهای مساعد برای بهره‌برداری از نارضایتی‌های مردمی در برابر ایالات متحده و «محور غرب» می‌دانند، که آنها (روسیه و ایران) نسبتاً با موفقیت برای پیشبرد دیدگاه خود از آن استفاده می‌کنند. دوم، در مقاله به بررسی نفوذ خزنده روسیه و ایران بر نیمکره غربی می‌پردازد و میراث تاریخی و همچنین پیوندهای دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی-امنیتی کنونی را که به تمایل مستمر منطقه برای



Daily Mail

می‌توانند برای توسعه بیشتر قابلیت‌ها با همکاری‌های نظامی روسیه و ایران در «تشدید افقی» درگیری‌هایی که این دو در حال حاضر در آن گرفتار هستند، عمل کنند.

این اندیشکده امریکایی در تحلیل خود آورده است: در حالی که روسیه و ایران روابط نزدیکی را با سه کشور ضدامریکایی کوبا، نیکاراگوئه و ونزوئلا برقرار کرده‌اند، به طور همزمان برای به دست آوردن جایگاه در کشورهای بی‌طرف‌تری با دیدن نسبت به ایالات متحده مانند برزیل و مکزیک نیز تلاش می‌کنند. علاوه بر این، مسکو و تهران جدا از یکدیگر عمل نمی‌کنند و در واقع دو کشور به شکل فزاینده‌ای اهدافی هم‌گرا و هماهنگ را در منطقه دنبال کرده‌اند.

بر اساس نوشته «مرکز مطالعات بین‌المللی و استراتژیک»، ایالات متحده همچنین باید به همکاری نظامی-فنی بین این حکومت‌ها توجه زیادی داشته باشد. تسلیحات چینی، ایرانی و روسی همگی به عنوان بخشی از تلاش ونزوئلا برای فشار بر گینه مورد استفاده قرار می‌گیرند. در صورت عملیاتی شدن خواست ونزوئلا برای تولید مشترک مهمات با ایران، کاراکاس قابلیت‌های جدید نگران‌کننده‌ای را کسب می‌کند. محدود کردن میزان بهره‌مندی دشمنان نیمکره از این همکاری برای مدیریت تنش‌ها بین کشورها و تحرکات فعال در نیمکره غربی بسیار مهم است.

توصیه CSIS به واشنگتن

طبق این نوشته، در حالی که روسیه و ایران فاقد بویایی اقتصادی همچون چین هستند اما همچنان می‌توانند فشار قابل توجهی را بر دولت‌های منطقه وارد کنند. نمونه آن موضع اکوادور در مورد تحویل تسلیحات به اوکراین بود که پس از تحریم‌های روسیه بر صنعت موز این کشور منتهی شد. روسیه همچنین تأمین‌کننده اصلی کود برای بخش کشاورزی برزیل است. ایالات متحده، با مشارکت اتحادیه اروپا، باید به دنبال برنامه‌ریزی جهت فشار اقتصادی بر روسیه و ایران باشد و با تقویت همکاری دوطرف اهرم قدرت تهران و مسکو را به حداقل برساند.

این اندیشکده در ادامه توصیه‌های خود به ایالات متحده نوشته است: امریکا باید به دنبال رقابت مؤثرتر در بخش انرژی و مواد معدنی امریکا لاتین باشد. روسیه با وجود تحریم‌ها اهدافش در زمینه فروش انرژی هسته‌ای و سوخت متعارف را در آفریقا پیگیری می‌کند. بولیوید و برزیل در دو سال گذشته در پروژه‌های انرژی هسته‌ای با روسیه همکاری کرده‌اند. بنابراین

👁️👁️

در حالی که

روسیه و ایران

روابط نزدیکی

را با سه کشور

ضدامریکایی

کوبا،

نیکاراگوئه و

ونزوئلا برقرار

کرده‌اند، به

طور همزمان

برای به دست

آوردن جایگاه

در کشورهای

بی‌طرف‌تر

یا بدبین

نسبت به

ایالات متحده

مانند برزیل

و مکزیک

نیز تلاش

می‌کنند

چین در کوبا چه می‌کند؟

این مرکز همچنین ماه گذشته بر پایه نشریه امریکایی «وال‌استریت ژورنال» مبنی بر مذاکرات چین و کوبا درباره

تشکیل دو دولت همزمان برای اسرائیل و فلسطین در منطقه و زندگی توأم با حسن همجواری را برای آنها پذیرفته بود، حالا مدعی کسب پیروزی کامل در ستیز با فلسطینی‌هاست و می‌گوید به جنگیدن تا زمان رسیدن به این هدف ادامه می‌دهد. این در حالی است که حماس ریشه‌ای قوی نزد فلسطینی‌ها دارد و محو‌ناشدنی است. نتانیاهو پس از ترور اساماعیل هنیه رئیس دفتر سیاسی حماس این را بخشی از پیروزی کامل اسرائیلی‌ها توصیف کرده بود اما حماس با انتخاب یحیی سنوار به عنوان جانشین شهید هنیه، به طرف مقابل هشدار جدی داده که کارش در آینده نه‌تنها سهل‌تر نشده بلکه صد درجه سخت‌تر شده است. سنوار از اعضای پرسابقه حماس به شمار می‌آید و رئیس اجرایی این سازمان در جنگ غزه بوده و به لحاظ طابعیت در اجرا و هنرهای جنگی بسیار کارآمد است. به این ترتیب سیاست‌رنگ‌باخته اسرائیل در زمینه ترور سران «مقاومت» به قصد ناهمید ساختن آنها و تحمیل شکست به رزمنده‌های فلسطینی یک بار دیگر با ناکامی مواجه شده است. هنیه مردی به‌غایت منصف و رهبری خوشفکر بود و نهایت تلاشش را به کار گرفت تا با مدد قطر و مصر،

طرح یک آتش‌بس پایدار را در منطقه اجرایی کند که البته بهانه‌تراشی‌های نتانیاهو مانع شکل‌گیری این امر شد. چون اما سنوار سکندار حماس است و اینک می‌داند که اسرائیلی‌ها فقط در پی نسل‌کشی‌اند، به جای تعقیب طرح‌های کم‌آثر آتش‌بس، تمامی توانش را روی تقویت نظامی حماس و سایر رزمنده‌های حاضر در عرصه خواهد گذاشت و این به معنای ناکام ماندن مجدد رژیم جعلی تل‌آویو در برنامه‌ریزی‌های جنگی‌شان و استمرار ورشکستگی‌های سیاسی این رژیم است.

عوض شدن جای رئیس و مرئوس

امریکا به تصمیم جوبایدن در طول جنگ غزه حمایت تمام خود را از رژیم آپارتایدی اسرائیل استمرار بخشیده و از هیچ کمکی به آنها دریغ نداشته واینک نیز به که سبب عارضه زوال عقل و عدم آمادگی روحی جوبایدن ادره جنگ غزه بیشتر در دست کاملاً اهریس و آنتونی بلینکن است،

👁️👁️

بی‌اعتبار

شدن امریکا

در معادلات

فرارمزی به

حدی رسیده

که حتی برخی

کشورهای

امریکای لاتین

به واشنگتن

اعلام عدم

نیاز کرده

و گفته‌اند،

قادرند

نیازهای خود

را بدون امریکا

هم تأمین

کنند



چرا واشنگتن هر چه دارد، در غزه هزینه می‌کند؟

امریکا در سراشیبی سقوطی بزرگ

ماه خود را سپری می‌کند و طی این مدت صهیونیست‌ها هر جنایت بزرگی را که بتوان تصور کرد، در باریکه غزه مرتکب شده و جان حدود ۴۲ هزار فلسطینی شریف را ستانده و بیش از ۹۲ هزار مجروح را هم برجای نهاده‌اند. رژیم نامشروع تل‌آویو حتی از رسیدن کمک‌های دارویی و غذایی هم به خیل دردمندان فلسطینی خودداری کرده و از نعمت استفاده از آب و برق نیز در ساعاتی متممادی از روز محروم ساخته است.

آنچه در غزه روی داده، نمونه کامل یک نسل‌کشی بی‌شرمانه است اما امریکا به جای کنار کشیدن از این روند مذموم ضدانسانی، ارتش صهیونیستی را تا بن دندان مسلح کرده تا هر چه بیشتر در تحقق اهداف شیطانی‌اش موفق باشد.

گزارش

وصال روحانی روزنامه‌نگار

خیلی‌ها می‌پرسند چرا امریکا هر چه در عرصه سیاست در اختیار دارد، در حال خرج کردن آن در غزه‌است اما نکته اینجاست که امریکایی‌ها دیگر قدرت سابق‌شان را در عرصه ندارند و ابرقدرتی هستند که همه نشانه‌های سقوط از اریکه قدرت را از خود پرور می‌دهند. جنگ غزه که رژیم یوشالی اسرائیل برای جبران حمله جانانه ۷ اکتبر ۲۰۲۳ حماس به سرزمین‌های اشغالی به راه انداخت، اینک یازدهمین



را به بندر هاوانای کوبا فرستاد. جامعه اطلاعاتی ایالات متحده در ارزیابی سالانه تهدیدات خود که در فوریه منتشرشد، برای اولین بار علناً اعلام کرد چین به‌دنبال تأسیسات نظامی در کوبا است اما جزئیات بیشتری ارائه نکرد.

این گزارش می‌گوید که ۲ مورد از سایت‌های نزدیک هاوانا - پزوکال و کالابازار - شامل دیش‌های ماهواره بزرگ هستند که به نظر می‌رسد برای نظارت و ارتباط با ماهواره‌ها طراحی شده‌اند. این گزارش نزدیک‌تر است و می‌داند که زیرساخت‌ها در این سایت‌ها در دهه گذشته ارتقا یافته است.

جدیدترین سایت از چهار سایت، که هنوز در حال ساخت است و قبلاً به طور عمومی شناخته نشده بود، در ال سالاوئو، خارج از شهر «اسانتا کلا کوبا» در بخش شرقی کشور و نه چندان دور از پایگاه دریایی ایالات متحده در گوانتانامو است. این گزارش‌ها در بحبوحه نگرانی‌های فزاینده درباره رقابت قدرت‌های بزرگ در دریای کارائیب و جغای دیگر در امریکای لاتین منتشر می‌شود، جایی که واشنگتن برای دهه‌ها تلاش کرده است تا از دستنمایی رقبا به مزیت نظامی و اقتصادی جلوگیری کند.

ناکام در افغانستان و عراق، شکست‌خورده مقابل چین

طی سال‌های اخیر فرضیه جدید چندقطبی شدن جهان دانشا هواداران بیشتری یافته و این نظریه‌ای است که می‌گوید امریکا دیگر حاکم اول نیست و قطب‌های تازه‌ای سر برآورده و عرصه را بر این کشور بندت تنگ کرده‌اند. امریکا نه‌تنها در جنگ روسیه با اوکراین که دو سال و هفت ماه از شروع آن می‌گذرد، قادر به مهار روس‌ها نشد بلکه با سوریه و ترکیه هم به مشکل خورد و از سه سال پیش با سرشکستگی هر چه بیشتر سربازانش از افغانستان و عراق بیرون کشید. بی‌اعتبار شدن امریکا در معادلات فرارمزی به حدی رسیده که حتی برخی کشورهای امریکای لاتین به واشنگتن اعلام عدم نیاز کرده و گفته‌اند، قادرند نیازهای خود را بدون امریکا هم تأمین کنند. این درحالی است که چین، رقیب بزرگ سایت‌های اخیر امریکا هر روز شکوفایی تازه‌ای را تجربه می‌کند و تأثیرگذاری‌اش بر معادلات جهانی قزون‌تر می‌شود. پیمان‌نامه جدید «بریکس» که چین قدرت اصلی اجرایی آن است، با استقبال جهانی زیادی مواجه شده و با ورود مصر، اسارات و البته ایران به این اتحادیه، چین می‌تواند بسیاری از کشورهای دیگر را هم به تأسی از خویش وادارد. این در حالی است که ایران در صحنه سیاست‌سازی‌های خاورمیانه هم بی‌بدیل است و امریکا را که پیش‌تر در این زمینه زورگویی می‌کرد، آشکارا به زیر سایه خود برده است. همه اینها نشانه‌های روشن دیگری از رنگ باختن هژمونی امریکاست؛ کشوری که اخیراً آنقدر فاقد خلاقیت و مهارت‌های مدیریتی در صحنه‌های سیاسی نشان داده که هیچ تریسی را نمی‌آفریند و اسرائیل را که زاده سیاست‌های سلطه‌جویانه‌اش بود، اکنون به گونه‌ای بالای دست خود و تعیین‌کننده راه‌های پیش روی خویش می‌بیند.

همان‌روال برقرار است و چیزی نیست که دولت جعلی تل‌آویو بخواهد و واشنگتن برایش جور نکند. میزان سرسپردگی امریکا به این رژیم به حدی رسیده که به نظر می‌آید برای اولین بار جای رئیس و مرئوس در این معادله عوض شده و این به اسرائیل است که ریاست و امور مختلف را فرماندهی می‌کند و امریکا در هیأت یک فرمانبردار نیازهای اسرائیل را فراهم می‌آورد تا تل‌آویو از آنها احساس رضایت کند. تحلیلگران امور سیاسی می‌گویند این همه تأسی جستن سران امریکا از تل‌آویو به این سبب است که در اوپسین صهیونیست‌ها و کمک‌های مالی بی‌دریغ آنها در کار نباشد، مکانیسم سیاسی بسیار پرهزینه امریکا به چرخش درنخواهد آمد و این کشتی سوراخ شده در اقیانوس عمیق نامالیمات غرق خواهد شد. حقیقت امر هر چه باشد، در فاصله فقط دو ماه تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری امریکا، واشنگتن در نازل‌ترین جایگاه خود طی ۸۰ سال حیات ننگین اسرائیل ایستاده

منبع: Aljazeera.com